

نمایندهٔ آمریکا برخلاف اظهارات صریح در مسقط ورم در رسانه به حق غنی‌سازی ایران حمله کرد

عبور از خط قرمز ایران قبل از مذاکرات



علی لنگری

خبرنگار گروه سیاست

استیو ویتکاف، نماینده ترامپ در مذاکرات ایران و آمریکا که چهره‌ای سازشگر از خود نشان داده بود، با تهدید علنی ایران به استقبال دور چهارم مذاکرات مسقط می‌آید. روز جمعه (۱۹ فروردین) فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در بخشی از مصاحبه خود با پایگاه خبری «بریتبارت» در اظهاراتی گستاخانه زبان به تهدید چرخاند و گفت اگر ایران در میز مذاکرات با آمریکا دچار اشتباه شود، «جایگزین بدی برایشان به دنبال خواهد داشت.» او ادامه‌با فراموش کردن گفته‌های پیشینش، اشاره کرد ایران نیازی به ساترفیو ندارد و تأسیسات هسته‌ای‌اش باید برچیده شود. ویتکافی که علی‌رغم ادعای «پیشرفت در مذاکرات» می‌خواهد از دروازه تهدید وارد دور چهارم مذاکرات شود، از خاطر پرده که کمتر از یک ماه پیش در مصاحبه‌ای با «فاکس نیوز» از غنی‌سازی بالای ۶۰ درصد انتقاد کرده و همان میزان ۶۷/۳ درصد را مناسب دانسته بود. حالا با توجه به این چرخش در اظهارات او و رسیدن به مکاتسم حد اکثر سازی خواسته‌ها در مذاکرات، به نظر می‌رسد که کاخ و کنگره تصمیم گرفته‌اند تا برداشدن از خط قرمزهای ایران، فنیله مذاکرات را پایان بکشند.

چوب آمریکایی لای چرخ مذاکره

ایالات متحده در مذاکرات با ایران مسیری چندلایه را دنبال کرده که از ظاهری دیپلماتیک و انعطاف‌پذیر آغاز شد و به تدریج به حد اکثر سازی خواسته‌ها سیداست. بدیهی است که این مسیر با هدف تضعیف جایگاه استراتژیک ایران، محدود کردن گزین‌های آن و ایجاد فشار اجتماعی در داخل کشور طراحی شده است.

در گام نخست، آمریکا با رویکردی به‌ظاهر باز وارد مذاکرات شد. دونالد ترامپ با نگارش نامه‌ای به ایران، سعی کرد چهره‌ای دیپلماتیک‌از خود نشان دهد و با تمرکز ظاهری بر مسائل هسته‌ای، حساسیت‌ها را در ایران کاهش دهد. این نامه، به گفته سیدعباس عراقچی، ترکیبی از تهدید و پیشنهاد فرصت بود، اما تهدیدهای پیشین آمریکا همچنان در آن حفظ شده بود. این استراتژی دوگانه، با هدف کشاندن ایران به میز مذاکره و جلب‌نظر افکار عمومی طراحی شده بود، درحالی‌که فشارها از طریق تهدیدهای نهفته ادامه داشت. هدف این گام، ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت ایران و ترغیب بخشی از جامعه به پذیرش مذاکراتی بود که در حقیقت به دنبال تحقق منافع یکجانبه آمریکا بود. این رویکرد، زمینه‌ساز حد اکثر سازی خواسته‌ها در مراحل بعدی شد، زیرا آمریکا با ایجاد تصور گفت‌وگویی سازنده، به دنبال آماده‌سازی فضا برای طرح مطالبات سخت‌گیرانه‌تر بود.

در ادامه، آمریکا تلاش کرد ایران را از متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش جدا کند. ایران پیش از مذاکرات، با تقویت همکاری‌ها در سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای و پیگیری ایده‌هایی نظیر ارز جایگزین دلار، مسیر جایگزینی برای کاهش اثر تحریم‌ها در پیش گرفته بود. آمریکا با پذیرش مذاکره مستقیم و ایجاد امید کاذب به توافق، قصد داشت این مسیر را تضعیف کند. این استراتژی، ایران را به امید توافقی با غرب، از تقویت روابط با شرق باز می‌داشت و اولویت‌های استراتژیک تهران را هدف قرار می‌داد.

مذاکره یا مصادره؟

همزمان، آمریکا با تشدید فشار بر کشورهای که با ایران همکاری می‌کردند، به دنبال قطع ارتباطات اقتصادی و سیاسی تهران با متحدان شد. ترامپ با اعلام سیاست به‌صفر رساندن صادرات نفت ایران و تهدید کشورهای خریدار به تحریم‌های ثانویه، فشار را بر شرکای تجاری ایران افزایش داد. او در شبکه اجتماعی تروث سوشال تأکید کرد هر کشوری که از ایران نفت بخرد، از تجارت با آمریکا محروم خواهد شد. همچنین، با تهدید به اعمال تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی علیه کشورهای بریکس در صورت حذف دلار از معاملات، آمریکا تلاش کرد سلطه مالی خود حفظ کند. این اقدامات در کنار مذاکرات، نشان‌دهنده



تلاش آمریکا برای تضعیف شبکه همکاری‌های بین‌المللی ایران بود. این فشارها، با هدف حد اکثر سازی خواسته‌ها، ایران را در موقعیتی قرار می‌داد که گزین‌های محدودی برای مقاومت در برابر مطالبات آمریکا داشته باشد.

در مرحله بعدی، آمریکا با بهره‌گیری از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اظهارات رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، به ابهام‌سازی در باره برنامه هسته‌ای ایران پرداخت. ادعاهایی مانند داشتن اورانیوم کافی برای ساخت چندین بمب اتمی، صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را زیر سوال برد. این اظهارات با هدف افزایش فشار دیپلماتیک و روانی، قدرت چانه‌زنی ایران را تضعیف می‌کرد و زمینه را برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی فراهم می‌کرد.

دام استراتژیک

در نهایت آمریکا با تغییر الگوی مذاکرات، خواسته‌های خود را از مسائل هسته‌ای به موضوعات منطقه‌ای و غیرهسته‌ای گسترش داد. در ابتدا، استیو ویتکاف غنی‌سازی ۶۷/۳ درصدی ایران را پذیرفته بود، اما این موضع به سرعت توسط مقاماتی مانند مارک رویو ترحیف شد و به لزوم وارد کردن مواد غنی شده تغییر یافت. همزمان، مقاماتی مانند پیت هگست با طرح اتهامات منطقه‌ای از جمله حمایت ایران از حوثی‌ها، مذاکرات را به سمتی هدایت کردند که ایران را در موضع ضعف قرار دهد. انتصاب چهره‌های تندرو مانند رویو به‌عنوان مشاور امنیت ملی، نشان‌دهنده یکپارچگی تیم مذاکراتی آمریکا عزم آن‌ها برای تحمیل شروط یکجانبه بود. این گسترش خواسته‌ها، نقطه اوج استراتژی حد اکثر سازی بود، زیرا آمریکا به دنبال حذف کامل غنی‌سازی ایران بود، بلکه خواستار تغییر رفتار منطقه‌ای و پذیرش شرایط گسترده‌تر شد. هر گام، با دقت طراحی شده بود تا ایران را در موضع ضعف قرار دهد، گزین‌هایش را محدود کند و فشار اجتماعی را در داخل کشور افزایش دهد. این رویکرد، با تأثیرگذاری بر تحریم‌های گسترش مطالبات، به دنبال تسلیم ایران به شرایط یکجانبه‌است و نشان‌دهنده نیت واقعی آمریکا در مذاکرات است.

اجتماعی‌سازی رایزنی به نفع ترامپ

اظهارات علنی ویتکاف در رسانه‌هایی مانند بریتبارت، بخشی از استراتژی حساب‌شده آمریکا برای اجتماعی‌سازی توافق در ایران و اعمال فشار بر حاکمیت

کشور است. ویتکاف با تأکید بر شروطی مانند توقف کامل غنی‌سازی و حذف ساترفیو‌ها، به صراحت اعلام کرده ایران نباید هیچ‌گونه ظرفیتی برای غنی‌سازی داشته باشد. این موضع‌گیری‌های که پشت تریبون‌های عمومی مطرح می‌شوند، نه تنها برای ارسال پیام به مذاکره‌کنندگان ایرانی، بلکه به‌طور خاص برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در ایران طراحی شده‌اند. هدف اصلی این اظهارات، ایجاد فشار اجتماعی در داخل ایران است تا حاکمیت را به پذیرش شروط یکجانبه آمریکا وادار کند.

ویتکاف با طرح ادعاهایی مانند اینکه ایران می‌تواند «ملت بهتری» باشد و با توقف فعالیت‌های هسته‌ای از تجارت و روابط استراتژیک با آمریکا بهره‌مند شود، سعی دارد تصویری از فرصت‌های از دست‌رفته برای مردم ایران ترسیم کند. این پیام‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بین مردم و حاکمیت شکاف ایجاد کنند و این تصور را القا کنند که مقاومت در برابر خواسته‌های آمریکا، مانع پیشرفت اقتصادی و دیپلماتیک ایران است. با برجسته کردن شروط سخت‌گیرانه مانند غنی‌سازی صفر، آمریکا به دنبال آن است که بخشی از جامعه ایران را به این باور برساند که پذیرش این شروط، تنها راه خروج از فشارهای اقتصادی و تحریم‌هاست.

بازی تهدید و خروج

همچنین تهدید ویتکاف مبنی بر خروج آمریکا از مذاکرات در صورت عدم پذیرش شرط غنی‌سازی صفر، بخشی از تاکتیک فشار حداکثری است. این تهدید علنی، پیامی دوگانه دارد: از یک‌سسو، به مذاکره‌کنندگان ایرانی هشدار می‌دهد که آمریکا حاضر به مصالحه نیست و از سوی دیگر، به افکار عمومی ایران القا می‌کند تداوم مذاکرات بدون پذیرش شروط، به بن‌بست خواهد رسید. این استراتژی با هدف تضعیف موضع ایران در مذاکرات و ایجاد تصور «بی‌فایده بودن مقاومت» در داخل کشور عمل می‌کند. آمریکا با این تهدید می‌خواهد حاکمیت ایران را در تنگنای تصمیم‌گیری قرار دهد: یا پذیرش شروط تحمیلی یا مواجهه با تشدید فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک.

این رویکرد در کنار اظهارات دیگر مقامات آمریکایی، مانند مارک رویو و پیت هگست، نشان‌دهنده هماهنگی در راهبرد آمریکا برای استفاده از تریبون‌های عمومی به‌عنوان

ابزاری برای فشار روانی و اجتماعی است. با طرح شروط واقعی مانند غنی‌سازی صفر، آمریکا نه تنها مذاکرات را به سمتی هدایت می‌کند که ایران را در موضع ضعف قرار دهد، بلکه همزمان تلاش می‌کند افکار عمومی را برای پذیرش توافقی که عملاً به معنای تسلیم است، آماده کند.

تیم فشار یک‌دست شد

رویکرد آمریکا در قبال مذاکرات با ایران از دوصدایی و اختلاف‌نظر داخلی میان مقامات این کشور متأثر بوده است. این اختلافات که میان ساتوراها، نمایندگان کنگره و اعضای کابینه دولت ترامپ با لابی‌های صهیونیستی دیده می‌شد، گاه به شکل مواضع تند و گاه به صورت حمایت از دیپلماسی بروز می‌کرد. با این حال تحولات اخیر به‌ویژه برکناری چهره‌هایی مانند مایک والترز و انتصاب افراد تندرو مانند مارکرو و یو به‌عنوان مشاور امنیت ملی، خود معنادار است. در گذشته دوصدایی در آمریکا بین دو طیف قابل مشاهده بود. از یک‌سو، ساتورا‌هایی مانند کتی بریت و لیندسی گراهام با تأکید بر فشار حداکثری و حتی گزین‌ه‌های نظامی، هرگونه انعطاف در برابر ایران را رد می‌کردند. برکناری مایک والترز، از سمت مشاور امنیت ملی و جایگزینی‌اش با مارکرو و یو، نشانه‌ای از این تحول است. رویو با تحریف مواضع اولیه استیو ویتکاف در باره غنی‌سازی ۶۷/۳ درصدی ایران و تأکید بر لزوم وارد کردن مواد غنی شده به جای تولید داخلی، رویکردی سخت‌گیرانه‌تر را پیش برد. این تغییرات همراه با اظهارات هماهنگ مقاماتی مانند پیت هگست، وزیر دفاع، که ایران را به حمایت از حوثی‌ها متهم و تهدید به اقدام نظامی کرد، نشان‌دهنده یک‌دست شدن تیم آمریکا در پیگیری سیاست فشار حداکثری است.

این یکپارچگی که با حذف صدا‌های میانه‌روتر و تقویت چهره‌های تندرو همراه بوده، به آمریکا امکان داده تا با انسجام بیشتری خواسته‌های خود را در مذاکرات مطرح کند. اظهارات ویتکاف در باره غنی‌سازی صفر و تهدید به خروج از مذاکرات در صورت عدم پذیرش شروط، بخشی از این استراتژی یک‌دست است که با هدف اجتماعی‌سازی توافق در ایران و فشار بر حاکمیت برای پذیرش شرایط آمریکا طراحی شده است. این تحول نشان‌دهنده عزم آمریکا برای تحمیل شروط یکجانبه و کاهش هرگونه انعطاف در مذاکرات است که با هماهنگی تیم مذاکراتی کنونی پیش می‌رود.

چرخش غنی‌سازی ستیز

ویتکاف از زمان شروع مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، دچار بلاتکلیفی مزمی شده است. این چرخش از انعطاف اولیه به سمت مطالبات سخت‌گیرانه، رایزنی‌ها را با چالش مواجه کرده و فضای رسانه‌ای خارج از گود مذاکرات را ملتهب کرده است. ویتکاف در مراحل اولیه مذاکرات، رویکردی انعطاف‌پذیر نشان داد. او در گفت‌وگو با فاکس نیوز در ۲۵ فروردین (۱۴ آوریل) اظهار داشت ایران برای برنامه غیرنظامی به غنی‌سازی بیش از ۶۷/۳ درصد نیاز ندارد، که تلو یحاً به پذیرش محدود غنی‌سازی اشاره داشت. ویتکاف در این مرحله مذاکرات را «مثبت و سسازنده» توصیف کرد و بر اهمیت راستی آزمایی سخت‌گیرانه تأکید داشت. او همچنین در مصاحبه‌ای با تاکر کارلسون، نامه ترامپ به رهبر ایران را نه تهدید، بلکه تلاشی برای حل دیپلماتیک بحران معرفی کرد که نشان‌دهنده تمایلش به گفت‌وگو‌های منعطف و سازنده بود.

فقط یک روز کافی بود تا موضع فرستاده تغییر کند. او در ۲۶ فروردین (۱۵ آپریل)، طی پستی در ایکس نوشت هرگونه توافق باید شامل توقف و نابودی کامل برنامه غنی‌سازی و تسلیحاتی ایران باشد و تأکید کرد «ایران باید برنامه غنی‌سازی خود را نابود کند.» ویتکاف در طول مصاحبه‌ها و پیام‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی، مواضعی مشابه گرفت و در نهایت طی مصاحبه روز جمعه (۱۹ اردیبهشت) با «بریتبارت» خواستار برچیدن تأسیسات غنی‌سازی ایران شد و اعلام کرد ایران نباید ساترفیو داشته باشد. او همچنین تهدید کرد اگر مذاکرات یکشنبه (امروز، ۲۱ اردیبهشت) سازنده نباشد، آمریکا از گفت‌وگو‌ها خارج خواهد شد.

کارشناسان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهارات ویتکاف در مورد حق غنی‌سازی ایران را مورد تحلیل قرار دادند

تکرار پلن شکست خوردهٔ بوش پسر

علیرضا کوهکن: آمریکا نمی‌تواند کیس از ایران بسازد

حسن بهشتی‌پور: ایران اگر می‌خواست غنی‌سازی را تعطیل کند، در دوران بوش پسر این کار را می‌کرد

حمیدرضا غلام‌زاده: حذف غنی‌سازی نقطهٔ شروع اعمال فشار علیه ایران در مذاکره است



زهرا طبیبی

خبرنگار گروه سیاست

با برنامه غنی‌سازی در ایران را تعطیل می‌کنید یا مسیر دیگری پیش می‌گیریم. اصل حرف استیو ویتکاف در مصاحبه جدیدش همین است. یک تهدید ضمنی و خواسته‌ای از یاده‌خواهانه در مورد برنامه هسته‌ای ایران که یکی از خطوط قرمز ایران برای نخستین پای می‌مذکره است. ویتکاف که در تیم ترامپ بیشتر به چهره‌ای مشهور بود که تصور می‌شد دنبال به نتیجه رسیدن یک توافقی با ایران است، حالا صراحتاً اظهاراتی که رویو، وزیر خارجه تندرو و جنگ‌طلب آمریکا مطرح می‌کرد را تکرار کرده است. نماینده ترامپ در امور خاورمیانه به این نکته هم اشاره می‌کند که مذاکرات هفته گذشته به خاطر تردید در موفق بودن به تأخیر افتاده و تهدید آخر را هم روی میز گذاشت: «امیدواریم که این یکشنبه، مذاکرات مفید باشد. اگر چنین شود، مذاکرات ادامه پیدا می‌کند.» اما اگر این یکشنبه‌باز هم بی‌نتیجه باشد، ادامه نخواهد یافت و باید مسیر دیگری را در پیش بگیریم.» با مطرح شدن ادعاهایی توسط ویتکاف و حذف جزء خطوط قرمز ایران است، تقریباً تمام کارشناسان بین‌الملل نیز به این موضوع تأکید دارند مسیری که آمریکا دنبال می‌کند، به این معنی است که آن‌ها دنبال به نتیجه رسیدن یک توافق نیستند. به همین منظور با علیرضا کوهکن، حسن بهشتی‌پور و حمیدرضا غلام‌زاده، کارشناسان مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

علیرضا کوهکن: آمریکا نمی‌تواند کیس خاصی از ایران بسازد

علیرضا کوهکن، کارشناس مسائل بین‌الملل به این موضوع اشاره کرد که ویتکاف تنها خواسته واقعی آمریکا را مطرح کرد و این خواسته زیاده‌خواهانه ناشی از اشتباه تحلیلی غلطی است که آمریکا در مورد ایران دارد. درواقع آمریکا به دنبال ساختن کیس خاصی از ایران است که در واقعیت این اتفاق قابل تحقق نیست.

ویتکاف خواسته واقعی آمریکا را مطرح کرد

کوهکن در مورد اینکه هدف آمریکا از مطرح کردن غنی‌سازی صفر ایران چیست؟ گفت: «دو نکته را باید در نظر گرفت: یک اینکه مذاکرات از آن حالت کلی به سمت مسائل دقیق پیش می‌رود. معمولاً در جلسات ابتدا درباره اصل مذاکره، نحوه مذاکره، هدف و اراده بحث صحبت می‌کنند که در این زمینه دو طرف نگاه منتهی داشته‌اند. اما وقتی وارد جزئیات می‌شوند، شرایط متفاوت می‌شود. این اتفاقی که افتاده هم در همین چهارچوب است. آمریکایی‌ها

این‌ها ناشی از یک تحلیل اشتباه است که توانمندی جمهوری اسلامی تضعیف شده و این تحلیل اساساً اشتباه بوده و ممکن است باعث کنش اشتباه هم بشود.»

حمیدرضا غلام‌زاده: حذف غنی‌سازی نقطهٔ شروع اعمال فشار علیه ایران در مذاکره است

حمیدرضا غلام‌زاده تغییر ادبیات ویتکاف را در این چهارچوب را به توافق انگلیس و آمریکا مرتبط دانست و به این موضوع اشاره کرد، که به نتیجه رسیدن این توافق، نیاز ضروری ترامپ برای توافق را رفع کرد. او در مدت تغییر ادبیات ویتکاف گفت: «مهم‌ترین نکته در مورد این تغییر ادبیات این است که ترامپ توانست به اولین دستاورد سیاست خارجی‌اش، که آن معامله با انگلیس است، برسد. تا الان بهشت نیاز داشت به اینکه یک توافق خارجی امضا کند، یک دستاورد داشته باشد و تا الان چنین چیزی وجود نداشت. الان با توافقی که با انگلیس امضا کرده، این امر محقق شده و دیگر نیاز ضروری ندارد. لذا اکنون دستش بازتر است برای اینکه در مذاکرات، فشار بیشتری به ایران وارد کند و به‌خصوص که در تصوراتش این است انجام دهد. طبیعتاً نقطه شروع بحثش را باید حذف غنی‌سازی ایران بگذارد و از اینجا فشار را آغاز کند و در مقابل عقب‌نشینی، امتیاز بیشتری بگیرد. یک گام در ایسن موضوع پیش‌تر آمدند و جدیت هم دارند. اصلاً بحث افکار عمومی هم مطرح نیست. اتفاقاً این هدف را جدی دنبال می‌کنند، نه به این معنا که حاضر نباشند اصلاً امتیاز بدهند؛ خط قرمز نیست، ولی حتماً به‌عنوان یک ابزار فشار علیه ایران استفاده خواهند کرد. به‌خصوص که از آن طرف، تصوراتش این است که ایران میز مذاکره را ترک نخواهد کرد و این هم دلیلی است برای اینکه فشار جدی‌تر و بیشتری در مذاکره وارد کنند. طبیعتاً تنها راهش این است که ایران اساساً این بحث را نپذیرد، چون خلاف قواعد آژانس است و طبق اساسنامه آژانس، ایران به‌عنوان یک عضو می‌تواند و حق دارد که غنی‌سازی کند و ضرورتی هم ندارد که از ایسن حق کوتاه بیاید و عدول کند. لذا ایران باید حتماً جلوی این زیاده‌خواهی بایستد، چون حتی اگر بخشش هم مطرح شود و بخواد توی گفت‌وگو چنین درخواست مطرح کند و در میز مذاکره بخواد در مورد این مسئله چانه‌زنی کند، حتماً ناچار به امتیازدهی بیشتر خواهد شد. پس باید این ادبیات و اظهار از سمت تیم ما جا بیفتد که آمریسا کا با زیاده‌خواهی فراتر از قواعد آژانس، مذاکرات را به شکست رسانده و متوقف کرده است. چون طرف مقابل خوش‌بین است که یا ما امتیاز بدهیم یا اگر ندادیم، ایران را به‌عنوان مقصر مطرح کند، از آن طرف هم در کنار این هویج، یک چماقی هم دارد که در ادبیات‌ها ویتکاف هم آمده؛ که اگر توافق نشود ایران مسیر دیگری خواهد رفت، این همان چماقی است که به‌عنوان تهدید بالای سر ایران کار داشته‌اند. در حالی که حتماً تهدید غیرواقعی است و قابلیت مدیریت دارد و باید تهدید متقابل صورت گیرد.»

فرهیختگان

فرهیختگان

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۴۰۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

